

برای کاوه رنه و کیان آندره آ

درآمد

کلنگ و سبد شهرها را می سازند،
کلنگ خانه مستحکم می سازد، کلنگ خانه مستحکم بنیان می نهد
(از منظومه سومری آفرینش کلنگ)

شهر، و به تبع آن شهرنشینی، یکی از پدیده‌های تاریخی است که بر اساس نیازهای انسان و در طول تاریخ زندگی بشر به وجود آمده، بنابراین پدیده‌ای طبیعی و تغییرناپذیر به شمار نمی‌رود. شهر را نمی‌توان اختراع یا ابداع شخص یا اشخاص خاصی دانست، بلکه زمان پیدایش آن، با توجه به نیازهای گوناگون بشری، وابسته به موقعیتهای خاص تاریخی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. شهرها در طول زمانی کمتر از شش هزار سال دستخوش تغییر، تبدیل و تکامل بوده‌اند و طی این تغییرات و تبدیلات دایمی، تضاد تاریخی فزاینده‌ای با روستاها پیدا کرده‌اند. به سبب پیشرفتهای شگفت‌انگیز فناورانه، بخشهایی از جهان شاهد زوال مهارناپذیر شاخصه‌های شهرهای سنتی و ورود به دوره جدیدی از تاریخ بشرند که خصوصیات سکونتی و اجتماعی جدیدی دارد. به این ترتیب شاید در آینده‌ای نه چندان دور، شهرهای بزرگی پیدا شوند که بسیاری از خصوصیات تاریخی خود را، به علت ازدیاد و اختلاط بیش از حد جمعیت، اقوام، سنتها، مذاهب و به‌خصوص تغییرات اساسی در نوع روابط سنتی شغلی و اجتماعی موجود بین انسانها در شش هزار سال گذشته، از دست داده باشند و به این ترتیب مرحله جدیدی از شهریگری روی کره خاکی آغاز شود.

با نگاه به تاریخ حضور انسان بر روی زمین روشن می‌شود که یکی از اصلی‌ترین اهداف انسانهای نسلهای گوناگون کوشش در گسترش و کنترل

سرزمینهای اطراف، شعاع عمل و زندگی خود بوده و به همین ترتیب و در پی دستیابی به این هدف، گام دوم، سرعت بخشیدن به تمامی فعالیتهای و جریانهای ارتباطی و تمرکز فعالیتهای بوده است. تمام این فعالیتهای اولیه انسانی ابتدا از جوامع روستانشین آغاز شدند و سپس به شهرها و بعد به دولت - شهرها و بالأخره به سرزمینهایی که تحت نام و حکومت یک کشور واحد بودند سرایت کردند و بالأخره امروزه در جهت یکسانسازی و جهانی شدن تمامی جوامع انسانی هدایت می شوند.

هرچه پیشرفت علوم و فنون بیشتر شده، به همان اندازه شناخت انسان از مفاهیم زمان و مکان نیز تغییر کرده و افزایش یافته است به اعتباری می توان گفت از زمان باستان تا امروز، هر وسیله و ابزار جدیدی که اختراع یا کشف شده به نوعی زائده و بخشی از اعضای بدن انسانی بوده است. داس چیزی نیست مگر ادامه دست انسان برای بریدن خوشه های گندم و گاری نیز چیزی جز ادامه و مکمل پای انسان برای سرعت بخشیدن بیشتر به تحرکات انسانی به شمار نمی رود. بنابراین گسترش فناوری به انسان کمک کرده تا زمان و مکان را تحت کنترل خود در آورد و انقلابهای فناوری باعث شده انسانها از نظر زمانی و مکانی به یکدیگر نزدیک تر شوند، در نتیجه در سیاره ای که هر روز از دیروز کوچک تر، و در عین حال کامل تر و پیچیده تر می شود، ارتباطات و تبادلات بین جوامع انسانی زیادتر می شود. به احتمال بسیار زیاد می توان گفت یک روستایی دوران شهرنشینی در تمام زندگی خود با بیش از ۵۰-۱۰۰ نفر ارتباط برقرار نمی کرده اما امروزه، تنها پس از حدود پنج هزار سال از بنیان نخستین جوامع منسجم و شهرنشین، بیش از ۲۰ درصد از جمعیت کره زمین قادر به ارتباط هم زمان با یکدیگرند؛ با وجود گسترش سریع کمی و کیفی ارتباطات انسانها در شهرهای امروزی با یکدیگر بیگانه اند و آن بخش از ارتباطات انسانی و احساسی که در شهرهای کوچک تر و کهن تر وجود داشته در شهرهای بزرگ از بین رفته و در این گروه از شهرها انسان کاملاً تنهاست. پس از تجربه پنج هزار ساله شهرنشینی، امروزه شاید می باید در پی به وجود آوردن یک فضای دومی

بود که در آن بتوان «زمان» را زندگی و تجربه کرد، که در آن «زمان» انسان قادر به ارتباط با مردم و جوامعی باشد که با آنان زندگی می‌کند. برای این کار شناخت زمان و مکانهای پیشین اهمیتی انکارناپذیر دارند و به دنبال آن شناخت جوامع و فضاهاى زندگانی مردمان پیشین لازم است.

کتاب حاضر با هدف معرفی نخستین شهرهای فلات ایران و شناخت چگونگی شکل‌گیری آنان و در نتیجه بازسازی جوامع شهرنشین این سرزمین تألیف شده است. ذکر دو نکته درباره این موضوع لازم به نظر می‌رسد: نخست آنکه، با توجه به نزدیکیها و شباهتهای جغرافیایی بین فلات ایران و سرزمینهای همسایه و همچنین ارتباطات فرهنگی و اقتصادی بین این سرزمینها در دوران باستان، طبیعی است که مسائل مربوط به شهر و شهرنشینی در فلات ایران را نمی‌توان بدون بررسی آنچه در این برهه از زمان در سرزمینهای فوق اتفاق افتاده مطالعه کرد. نکته دوم آنکه، چون شهرنشینی به مثابه پدیده‌ای فرهنگی و تمدنی، به صورت طبیعی یکی از پیامدهای گسترش فرهنگهای پیشین بوده، آشنایی مختصری در مورد زندگانی جوامع بشری پیش از این دوران و اصولاً چگونگی گذر از شیوه زندگانی روستائینی به شهرنشینی لازم به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، منشأ نخستین شهرها، از پدیده تاریخی دیگری، یعنی شکل‌گیری نخستین دولت-شهرها، جدا نیست و این دو پدیده همواره در ارتباط مستقیم با یکدیگر بوده‌اند و بدون ایجاد شهرها، امکان شکل‌گیری دولتها نیز وجود نداشته است.

تعریف برخی از مفاهیم مرتبط با پدیده شهرنشینی و شناخت ریشه‌ها، منشأ، چگونگی و چرایی ایجاد شهرهای اولیه تحت شرایط خاص جغرافیایی و اجتماعی برای مطالعه چگونگی گسترش این پدیده اجتماعی در فلات ایران لازم است. شناخت این پدیده که دنباله کوشش انسان برای بهینه‌سازی وضع زندگانی جهان مادی خود بوده، همچون سایر پدیده‌های اجتماعی به بررسی جامع و فراگیری نیاز دارد، بنابراین شناخت شرایط موجود در زمانهای پیش از پدید آمدن آن لازم به نظر می‌رسد.

اشاره شد که نمی‌توان منشأ ایجاد شهرها را بدون شناخت دقیق چگونگی گذر از یک شیوه زندگی - روستانشینی - به شیوه‌ای دیگر - شهرنشینی - به صورت پدیده‌ای مستقل و در یک واحد جغرافیایی منفرد مطالعه کرد. به این سبب و برای توفیق در این کار، در کنار آشنایی با چگونگی پیشرفت این پدیده در فلات ایران، باید به چگونگی تکامل و گسترش آن در مناطق همسایه و به‌ویژه میان‌رودان به عنوان نخستین مرکز شهرنشینی، و سایر واحدهای جغرافیایی موجود در اطراف فلات یعنی آناتولی، آسیای مرکزی، سند و پنجاب نیز توجه کامل کرد، زیرا سرتاسر منطقه‌ای که امروزه با نام خاورمیانه خوانده می‌شود مرکز اصلی تمدنی بوده که بخشهای مهمی از اختراعات، ابداعات، ابزار و تفکرات زندگانی امروزی به آن مدیون است. این منطقه عظیم به پنج بخش اصلی و زیرحوزه‌های متعددی تقسیم می‌شود:

(الف) تمدنهای حوضه رودخانه نیل که مصر و سرزمینهای اطراف آن را دربر می‌گیرد.

(ب) تمدنهای حوضه رودخانه‌های دجله و فرات که شامل سرزمینهای میان‌رودان شمالی و جنوبی، فلات آناتولی، دشتهای سوریه و اردن و شبه جزیره عمان است.

(ج) تمدنهای حوضه رودخانه سند که سرزمینهای وسیع سند و بلوچستان پاکستان و تمدنهای هاراپا و موهنجودارو را دربر دارد.

(د) سرزمینها و تمدنهای واحه‌ای آسیای مرکزی شامل مناطق وسیع تحت نفوذ تمدن نمازگا و سایر زیرحوزه‌های متعدد آن.

(ه) فلات ایران با زیرحوزه‌های اصلی متعددی که بعداً به آنها پرداخته خواهد شد.

مسلماً دامنه تمدن و فرهنگ در هر یک از این حوزه‌ها وسیع است و امکان پرداختن به جزئیات هر یک از آنها به صورت جداگانه موجود نیست، اما در کنار فلات ایران، توجه ویژه به تمدنهای حوضه رودخانه‌های دجله و فرات و به عبارتی دیگر میان‌رودان لازم است چون این تمدنها نه تنها در شکل‌گیری شهرها نقش اساسی داشتند، بلکه نفوذ و تأثیرات ناشی از گسترش آنها را می‌توان به وضوح در

دیگر حوزه‌های مهم تمدنی ملاحظه کرد. در هر حال این نکته روشن است که تمام این مراکز فرهنگی و تمدنی با یکدیگر مرتبط بوده‌اند و حتی به رغم استقلال سیاسی و اقتصادی، نمی‌توانسته‌اند از شمول برخی قوانین طبیعی، اجتماعی و تاریخی خارج شده باشند.

نقشه ۱ حوزه‌های تمدنی خاورمیانه

محوطه‌های دوران کالکولیتیک، پراکنده در میان دشتهای و کوههای شرق فلات ایران، یک محیط زیست انسانی و فرهنگی را تشکیل داده‌اند که در آن نشانه‌های گذر از یک شرایط استقرار و فرهنگی به شرایط دیگر استقراری و فرهنگی کاملاً مشهود است. کسی که در آن زمانها با کاروانی، از میان رودان به سوی سند یا دریاچه آرال می‌رفت، با وجود اختلافات زبانی، نمی‌توانست نسبت به فرهنگ و تمدنهای موجود در سر راه خود بی‌اعتنا باشد و در هر حال از آنها تأثیر می‌گرفت و خود نیز بر آنها تأثیر می‌گذاشت. روند این تأثیرات را می‌توان از طریق بررسی پدیده‌های شبیه به هم در مناطق مختلف شناخت؛ بنابراین برای شناختن

فرهنگ و تمدن ایران، باید از نقطه مهمی به نام «فرهنگ یکسان جهانی» حرکت کرد که در آن زمان با وجود آنکه هنوز فن نگارش شناخته نشده بود، اما منشأ بسیاری از تحولات فرهنگی و تمدنی بعدی بوده است. بخشهایی از آن «فرهنگ یکسان جهانی» شاید از تمدن ایرانی، هندی یا سامی نشئت گرفته باشد و این وظیفه باستان‌شناسی پیش از تاریخ است که این مدارک مهم تکامل بشری را که به دلیل پیشرفتهای فناوری و انتخاب اصلح، آثار آنها در طول زمان از بین رفته یا مقدار کمی از آنها باقی مانده جمع‌آوری و بررسی کند. به این دلیل در کتاب حاضر، اگرچه به صورت مختصر، به تاریخ شهر و شهرنشینی در سرزمینهای همسایه نیز، که تأثیرات فراوانی بر روند شهرسازی در ایران گذاشته و خود نیز تأثیراتی پذیرفته توجه شده است.

نکات اصلی مورد توجه در کتاب حاضر عبارت‌اند از منشأ شهرسازی و شهریگری به صورت عام که بیشتر بر اساس مدارک و شواهد باستان‌شناسی به دست آمده از میان‌رودان و خوزستان بنا شده و مدل‌های اساسی آن بر بنیاد شواهد به دست آمده از این مناطق تعریف شده‌اند. دلیل اصلی این کار وجود داده‌های کافی باستان‌شناختی از مناطق یاد شده و کمبود و حتی نبود همین گروه از داده‌ها از نقاط دیگر فلات ایران است. شهرهای ایرانی با توجه به مرکزیت فلات ایران تعریف و تشریح شده‌اند، اما برای شناسایی هر چه بیشتر آنها از نگاه به شهرهای میان‌رودان، آسیای مرکزی و دشت سند غفلت نشده، زیرا چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، هر یک از مناطق یاد شده بر گسترش تمدن و فرهنگ فلات ایران مؤثر بوده یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. الگوهای تأثیر تمدن میان‌رودان بر بخشهای غربی فلات ایران بسیار روشن و واضح است، اما این الگوها در بخشهای شرقی ایران اعتبار کامل ندارند و بسیاری از مفاهیم «غربی» قابل انطباق با شهرهای «شرقی» نیستند و در مورد این مناطق باید به دنبال تطبیق الگوهای شهرنشینی آنها با مناطق شمالی خراسان بزرگ در آسیای مرکزی یا به نواحی شرقی‌تر، مانند دشت سند و ارتفاعات افغانستان، بود.

درآمد ۷

پیشنهادها و نظرهای همسر ایراندوست و ارجمندم، بانو دکتر آنجلادی جوانی رومانو، در تدوین کتاب حاضر مانند همیشه بسیار مفید و سازنده بوده است. از همکاریهای صمیمانه دوست ارجمند و فرهنگ پرورم، آقای محمدرضا میری، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی پیشین پژوه، سپاس گزارم.

سید منصور سید سجادی